

# بهشت پولدارها، جهنم با استعدادها

کلید جادویی فتح آینده است. باید جامعه را در کلیت آن دید، هر دست یاری دهنده را فشرده. از منفعت فردی عبور کرد و خود را به خاطر مصلحت جامعه نادیده گرفت. فرصت‌ها یکی پس از دیگری از دست می‌رود و فرصت سوزان اگر نه در برابر وجدانشان، روزی باید در برابر تاریخ جوابگو باشند. اگر بخواهیم می‌توانیم جامعه را پر نشاط سازیم، سوء ظن‌ها را به تفاهم و افسردگی را به امید تبدیل کنیم. تنها باید به صدای عقل گوش فرا سپاریم که صدای مردم است. اگر این صدا را بشنویم، هرگز به فکر خصوصی سازی دانشگاه‌ها نخواهیم افتاد. طرحی که جامعه را می‌تواند بهشت بونداز و جهنم برای کسانی سازد که با استعداد و با هدف اند ولی پول ندارند.

صدای اعتراض‌های خاموش را نمی‌شنویم. از یاد برده‌ایم سکوت سرشار از ناگفتنی‌هاست. از عدم مشارکت مردم در ۹ اسفند به سود خود و سیاست‌های ناکارآمد، تحلیل بیرون می‌کشیم و از رای اندک برای پس گرفتن دستاوردهایی که به تدریج شهروندان به دست آورده‌اند، بهره می‌بریم. جامعه را به خودی و غیر خودی تقسیم می‌کنیم و هر روز از تعداد خودی‌ها می‌کاهیم و چقدر غیر خودی‌ها را فریه می‌سازیم. حادثه‌ای که در کوی دانشگاه و اطراف آن رخ داد، نشان می‌دهد برخی از جوانان خسته شده‌اند، روزنه‌ای به سوی روشنایی و امید نمی‌یابند. هر روز دامنه محدودیت‌ها را می‌افزاییم، در سازمان‌ها، هر روز از مزایای کارمندان می‌کاهیم، فرمان تعدیل صادر می‌کنیم، کارکنان رسمی را به هر بهانه بیرون می‌کنیم تا پیمانی‌ها و قراردادی‌ها را با حداقل امتیاز و دستمزد به استخدام درآورند تا هر چه بخواهند با آنها بکنند.

روزنامه‌ها در لغافه سخن می‌گویند. نمی‌توانند صدای مردم باشند، در این شرایط رسانه‌های بیرون مرزی بدون دغدغه هر چه می‌خواهند بگویند و در مسابقه‌ای بی رقیب می‌توانند پیروز شوند اگر به خود نیاییم. شعارهای تند، نشانگر عملکردهای بی ضابطه است.

شاید بسیاری از فرصت‌ها را از دست داده باشیم، ولی از حداقل‌هایی که باقی مانده‌اند، می‌توان بهره گرفت. به شرطی که فضای حرکتی رسانه‌ها، نخبگان، نمایندگان مردم و اصلاح طلبان را باز کنیم، تا آنها بتوانند جامعه را به وضع مطلوب با حداکثر عقلانیت به حرکت درآورند.

می‌توان مصادم صدای هشدارها را شنید، می‌توان همچنان خود را به نشنیدن زد و

تحلیل‌های غلط ارایه داد. می‌توان همه چیز را به بیرون مرزها ارجاع داد، ولی واقعیت را نمی‌توان با تحلیل و تک صدایی کردن جامعه به تسخیر درآورد. قدرت‌های بزرگ تنها زمانی می‌توانند به هر آنچه که می‌خواهند دست یابند که ما هر آنچه که عقلانی است واگذاریم و هر روز بر طبل عملکردهای غلط بکوبیم و صدای هیچ منتقد مستقل را نشنویم.

حادثه‌ها قابل مدیریت‌اند، اگر ما بتوانیم خود مدیری را تجربه کنیم و به این بناور راه بکشیم که داشتن قدرت به معنای استفاده از آن نیست، وحدت ملی